**( 12 )**

 یا علی اشکر الله بما زین رأسک باکلیل الثنآء فی ایام ربک مالک الاسمآء و هیکلک بطراز خدمته فی الامکان قد عرفنا توجهک الی بعض الجهات و هجرتک فی سبیل الله منزل الآیات هذا ینبغی لک و لکل مقبل انقطع فی حبه عما سویه

ای علی در کل احوال در اتحاد قلوب و اجتماعهم بر شریعه امریه الهیه سعی بلیغ مبذول دارید اگر چه بفضل الله بطراز اخلاق مزینی و لکن هر چه بر آن بیفزائی عند الله احب بوده تا کل باخلاق حسنه آن جناب بشطر وهاب توجه کنند و در کل احیان مراقب امر باشید چنآنچه در الواح قبلیه از قلم امریه نازل شده مشاهده در فضل و عنایت و الطاف حق نما سالهاست که یکی از عباد که تو بآن عارفی مع آنکه در سر سر او و تبعه او بکلمات نالایقه و نفحات منتنه و شیء ونات نفسانیه مشغول بوده‌اند و حق بر کل مطلع و محیط ستر فرمودیم و چون در ظاهر باسم الله و ذکر او ناطق تعرض ننمودیم و در سنین معدودات از مطلع آیات الواح منیعه مخصوص او نازل و ارسال شد و در جمیع احوال تصریحا و تلویحا او را بمقام پاک که مقدس از شایبه نفس و هستی است دعوت نمودیم که شاید بمقامات عالیه ممتنعه فائز شود کل ذلک من فضل ربک و رحمته و عنایته چه که دوست نداشته و نداریم که نفسی از ما خلق ‌له محروم ماند و از ما قدر له بی نصیب گردد مع این عنآیات متواتره و الطاف متتابعه کانه حق را غافل دانسته و سبب این ستر حق بوده قل روحی و نفسی لک الفدآء یا ستار العالمین

ای علی مشاهده در امر رسول الله نما که اول امر در کمال ترقی و استعلآء بوده و بعد توقف نموده یکی از اسباب مانعه آنکه نفوسی برخاستند و بدعوی اینکه ما اهل باطنیم ناس بیچاره را از شریعه الهیه و مکامن عز ربانیه ممنوع نمودند قل تالله کل ظاهر اعلی من باطنکم و کل قشر انور من لبکم قد ترک المخلصون بواطنکم کما تترک العظام للکلاب این ایام احکام الهیه از مشرق بیان ربانیه مشرق انشآء الله از بعد ارسال میشود و این دو آیه مبارکه که در آن لوح امنع اقدس نازل من الناس من یقعد صف النعال طلبا لصدر الجلال قل من انت یا ایها الغافل الغرار و منهم من یدعی الباطن و باطن الباطن قل یا ایها الکذاب تالله ما عندک انه من القشور ترکناها لکم کما تترک العظام للکلاب ملاحظه نمائید هر نفسی از نفوس موهومه که یافت شد خلیجی از بحر اعظم خارج نمود و بتوهمات نفسانیه و شیء ونات هوائیه بتمام مکر و خدعه قیام کرد و فرقه اسلام را متفرق ساخت قل یا ایها الموهوم ان الباطن و باطن الباطن و الباطن الذی جعله الله مقدسا عن الباطن و الظاهر الی ما لانهایة لها یطوف حول هذا الظاهر الذی ینطق بالحق فی قطب العالم قد ظهر الاسم الاعظم و مالک الامم و سلطان القدم لیس لاحد مفر و لا مستقر الا لمن تمسک بهذه العروة النورآء التی بها اشرقت الارض و السمآء و لاح العرش و الثری و اضآء ملکوت الاسمآء و انار الافق الاعلی اتقوا یا قوم و لا تتبعوا اهوآء الذین اتبعوا الهوی و لا اوهام الذین قاموا علی المکر فی ملکوت الانشآء توجهوا بوجوه بیضآء و غرر غرآء الی مطلع آیات ربکم مالک الآخرة و الاولی کذلک قضی الامر فی اللوح الذی جعله الله ام الالواح و مصباح الفلاح بین السموات و الارضین

ای علی تفریق امت سبب و علت ضعف کل شده و لکن الناس اکثرهم لا یفقهون بعضی از ناس که ادعای شوق و جذب و شغف و انجذاب و امثال آن نموده و مینمایند کاش بدار السلام میرفتند در تکیه قادریه ملاحظه مینمودند و متنبه میشدند

ای علی جمعی در آن محل موجود و مجتمع و نفسی الحق که مشاهده شده نفسی از آن نفوس زیاده از اربع ساعات متصلا خود را بحجر و مدر و جدار میزد که بیم هلاکت بود بعد منصعقا بر ارض میافتاد و مقدار دو ساعت ابدا شعور نداشت و این امور را از کرامات میشمردند ان الله بریء منهم و نحن برآء ان ربک لهو العلیم الخبیر یعلم خائنة الاعین و ما فی صدور العالمین و همچنین جمعی هستند برفاعی معروفند آن نفوس بقول خود در آتش میروند و در احیان جذبه سیف بر یکدیگر میزنند بشأنیکه ناظر چنین گمان میکند که اعضای خود را قطع نموده‌اند کل ذلک حیل و مکر و خدع من عند انفسهم الا انهم من الاخسرین جمیع این امور برأی العین مشاهده شده و اکثری از ناس دیده‌اند بسیار محبوبست که یکی از آن نفوس موهومه بآن ارض توجه نماید و تکایای مذکوره و ما یحدث فیها را مشاهده کند که شاید بخطرات نفسانیه و توهمات انفس خادعه از شطر احدیه و مالک بریه ممنوع نشود

ای علی جمعی در جزائر هند بوده و هستند که خود را از اکل و شرب منع نموده‌اند و با وحوش انس گرفته‌اند و لیالی و ایام بریاضات شاقه مشغولند و باذکار ناطق مع ذلک احدی از آن نفوس عند الله مذکور نه با اینکه خود را از اقطاب و اوتاد و افراد ارض میشمرند الیوم ردآء افعال و اکلیل اعمال ذکر اسم اعظم در ظاهر و باطن بوده انه لکلمة بها فصل بین کل حزب و نسف کل جبل و سقط کل نجم و کسف کل شمس و خسف کل قمر و انفطر کل سمآء و انشق کل ارض و غیض کل بحر و ارتعد کل قنة و انقعر کل جذع و اضطرب کل هضب و ارتعش کل بطح الا من شاء ربک المقتدر القدیر من اقر بما اقره الله و اعترف بما اعترفه الله انه من اهل البهآء فی ملکوت الانشآء کذلک نزل من افق الوحی امر ربک المبرم العزیز الحکیم

اگر چه لایق نه که قلم اعلی باین بیانات مشغول شود و لکن نظر بفضل و سبقت رحمت قلم رحمن بامثال این بیان ناطق است این الاقویآء و این مظاهر الاستقامة فی ملکوت الانشآء و این مطالع الاقتدار فی جبروت الانقطاع؟

ای علی تا حال اصبع اقتدار خرق استار ننموده ان ربک لهو الستار از خدا بطلب که آن نفوس را باستقامت تمام منقطعین عن سویه بر امر مالک انام و سلطان ایام ثابت و راسخ فرماید لعمری بذلک ترفع اذکارهم و تثبت اسمآئهم و تحقق مقاماتهم و تفتح علی وجوههم ابواب عرفانی الذی کان اصل الامر و مبدئه و اس المقام و سلطانه طوبی لمن نبذ الدنیا و ما یذکر فیها و توجه بالقلب الانور الی منظر ربه المتعالی المقتدر العلی العظیم زحمت شما بسیار است احمل کما حمل فوقها هذا القلب الارق الادق الاشفق اللطیف البدیع المنیر چه که باید ناس را بحکمت چنآنچه در کل الواح بآن امر شده از اوهامات نفسیه و شیء ونات غیر مرضیه بنصائح بالغه و حکم ربانیه مقدس نمائید و بشطر اقدس کشانید اول امر و اعظم آن استقامت بر امر بوده انشآء الله باید در کل احوال بخدمت مشغول باشید چنآنچه هستید انما البهآء علیک و علی من احبک خالصا لله ربک و رب العالمین